

مروری بر مبانی مدیریت ریسک اعتباری

ترجمه : بهنام جواهری-اداره مدیریت ریسک

ریسک اعتباری دامنه و عمق بیشتری از آنچه معمولاً تصور می‌شود، دارد. اغلب ریسک اعتباری را به احتمال نکول مرتبط می‌نمایند که این نوع برداشت صحیح نبوده و کلیت ریسک اعتباری را که بانک‌ها و موسسات اعتباری با آنها روبرو هستند، نمایان نمی‌کند. ریسک اعتباری می‌تواند سایر دارایی‌های اعتباری (از قبیل مطالبات از سایر بانکها، اوراق مشارکت و...) بانک را در بر گرفته و علل متفاوتی می‌تواند باعث ایجاد رفتار قصور در طرف مقابل گردد. در مقاله حاضر مبانی ریسک اعتباری و مدیریت ریسک اعتباری بیان می‌شود.

ریسک اعتباری

ریسک اعتباری در خصوص تسهیلات اعطایی عبارت است از: عدم ایفای کامل تعهدات توسط گیرندگان تسهیلات بانکی، به دلیل عدم توانایی و یا عدم تمایل آنان مطابق با مفاد قرارداد فی مابین. از آنجا که ریسک اعتباری فقط مربوط به تسهیلات اعطایی نمی‌شود و سایر اقلام دارایی‌های ترازنامه را نیز در بر می‌گیرد، به صورت بسیار کلی و مطابق با تعریف بانک مرکزی می‌توان گفت، ریسک اعتباری احتمال بروز زیان ناشی از قصور است.

دلایل ایجاد ریسک اعتباری

عوامل درون سازمانی و برون سازمانی دو دسته اصلی ایجاد ریسک اعتباری در بانک‌ها و موسسات مالی می‌باشند. عوامل برون‌زا مانند متغیرهای اقتصادی و تغییرات قوانین و مقررات مربوط به محیط کسب و کار است. به عنوان مثال، مشخص شده است با کاهش رشد اقتصادی و افزایش قیمت و نوسانات نرخ ارز و همچنین افزایش نرخ تورم نسبت به نرخ سود بانکی، میزان مطالبات غیرجاری افزایش می‌یابد. دسته دیگر عوامل ایجاد ریسک اعتباری و به خصوص مطالبات غیرجاری، عدم اعتبارسنجی دقیق، عدم نظارت و پایش تسهیلات اعطایی در مرحله بازپرداخت اقساط، عدم رصد کافی محیط و بخش‌های اقتصادی، عدم کفایت دانش اعتباری پرسنل، عدم وجود نظام کنترل داخلی موثر، عدم برون‌سپاری و اقدامات خاص جهت وصول مطالبات غیرجاری است.

مدیریت ریسک اعتباری

به کارگیری فرآیند مدیریت ریسک در خصوص دارایی‌های اعتباری، جهت ایجاد ارزش برای دینفعان از طریق کاهش میزان مطالبات غیرجاری و بهبود نقدینگی و همچنین افزایش استحکام دارایی‌ها در مقابل ریسک‌ها و شرایط متغیر محیطی، مدیریت ریسک اعتباری نامیده می‌شود.

فرآیند مدیریت ریسک اعتباری

فرایند مدیریت ریسک اعتباری شامل مراحل شناسایی، اندازه‌گیری و ارزیابی، پاسخگویی، اجرای پاسخ و راهکارها و در آخر پایش و گزارشگری از وضعیت ریسک اعتباری است.

در فرایند مدیریت ریسک اعتباری، ابتدا باید تمامی رویدادهای ریسکی و علل آن شناسایی شود. این امر توسط واحدهای ذیربط، خبرگان، اعضای کمیته‌های مدیریت ریسک مربوطه و تمامی پرسنل بانک و همچنین اطلاعات منتشره توسط نهادهای اقتصادی و سایر نهاد های تاثیرگذار قابل استخراج است. پس از آن، ریسک‌های اعتباری شناسایی شده با معیارهای احتمال-شدت و یا فراوانی-عواقب ارزیابی می‌شوند. معیار احتمال-شدت منوط به داشتن پایگاه اطلاعات کمی است و معیار فراوانی-عواقب مبتنی بر نظرات خبرگان و اعضای کمیته‌های مربوطه.

بعد از ارزیابی و طبقه‌بندی ریسک‌ها، ابتدا به ریسک‌هایی که با درجه بحرانی طبقه‌بندی شده‌اند پاسخ داده می‌شود. برای مثال، ممکن است پاسخ به ریسک اعتباری به دلیل افزایش نرخ تورم، سرمایه‌گذاری و متنوع‌سازی پرتفوی دارایی‌های بانک باشد. اگر نرخ تورم بالا نباشد و بین نرخ تورم و سود بانکی تعادلی منطقی برقرار باشد، به سامانه اعتبارسنجی و رتبه بندی مشتریان اعتباری کفایت می‌شود.

مرحله بعدی، اجرای پاسخ به ریسک با تخصیص منابع لازم جهت واکنش به ریسک‌های پیش روی بانک می‌باشد. این پاسخ باید لازم و کاهنده میزان ریسک اولیه باشد و نباید تاخیری و یا بیش از میزان زیان انتظاری برای بانک هزینه‌زا باشد. مرحله آخر شامل پایش دوره ای ریسک‌های اعتباری و گزارشگری و ارسال آن به واحدهای ذیربط است. این پایش بر اساس حساسیت و بحرانی بودن می‌تواند در دوره‌های کوتاه تر زمانی نیز انجام گیرد. این گزارشات شامل اطلاعات متنوعی از وضعیت ریسک‌های اعتباری و مقایسه شاخص‌های مربوطه با حدود مجاز یا استانداردها و یا نرم صنعت به صورت

دوره ای است. به عنوان مثال، اگر استاندارد نسبت مطالبات غیر جاری به کل مطالبات بین ۱۰ تا ۱۵ درصد و نرم صنعت بانکداری حدود ۱۸ درصد باشد و این نسبت برای یک بانک فرضی در چند سال متوالی بیش از این نسبت ها باشد، باید پذیرفت استراتژی آن بانک در بخش اعطای تسهیلات و یا وصول مطالبات کارا نبوده و این موضوع به صورت کامل مربوط به اوضاع اقتصادی نیست.

اجزای اصلی مدیریت ریسک اعتباری

اجزای اصلی مدیریت ریسک شامل موارد ذیل است.

اعتبارسنجی: فرآیندی است که بانکها به کمک آن، میزان تمایل و توانایی اشخاص (حقیقی و حقوقی) در ایفای تعهداتشان را ارزیابی می کنند. اعتبارسنجی در سطح خرد انجام می شود و مربوط به هر شخص به صورت مجزا است. اعتبارسنجی هم به صورت قضاوت کارشناس و هم به شکل مکانیزه انجام می شود. در روش قضاوت کارشناس، فرد کارشناس و کمیته های اعتباری محوریت اعتبارسنجی را بر عهده دارند، ولی در روش اعتبارسنجی مکانیزه به کمک روش ها و سیستم های فناوری اطلاعات و بر اساس یک روش تعریف شده، اطلاعات کمی و کیفی اشخاص جمع آوری و تحلیل می شود. در حال حاضر، هر دو روش در بانکها به موازات هم انجام می شود، اما سامانه های اعتبارسنجی و رتبه بندی با توجه به ویژگی های برتر خود در حال گسترش روز افزونی هستند. شایان ذکر است، رتبه بندی به دو صورت داخلی و بیرونی (توسط موسسات رتبه بندی) نیز انجام می شود.

مدیریت ریسک پرتفوی اعتباری: مدیریت ریسک پرتفوی اعتباری فرآیندی است که ریسک مجموع تسهیلات و تعهدات را به صورت یکپارچه و با در نظر گرفتن تنوع، همبستگی و تمرکز تسهیلات ارزیابی می نماید. مدل های پرتفوی اعتباری به دلیل داشتن اطلاعات کمی، برآورد احتمال وقوع زیان های بالا را امکان پذیر می سازد. برای پوشش زیان های اعتباری با شدت بالا (مثلاً به دلیل تاثیرات برخی از ریسکها از قبیل ریسک بازار- تغییر قیمت دارایی ها- نرخ سود، نرخ تورم و یا نرخ ارز)، می توان از مدل های مدیریت ریسک پرتفوی جهت تخمین سرمایه اقتصادی استفاده کرد.

تعیین اشتها و حدود ریسک اعتباری: یکی دیگر از اجزای اصلی مدیریت ریسک اعتباری، تعیین اشتها و اهداف ریسک با توجه به اهداف و استراتژیهای بانک از یک سو و میزان سرمایه مورد نیاز از سوی دیگر است. به عبارت دیگر، هیات مدیره بانکها ابتدا میزان سرمایه مورد نیاز جهت پوشش مخاطرات و ریسکهای مربوط به انجام امور و یا دستیابی به اهداف اعتباری خود را تعیین می نمایند. سپس میزان اشتها و ریسک بانک با توجه به خطوط کسب و کار اعتباری از قبیل اعطای تسهیلات خرد، تسهیلات کلان و شرکتی و یا براساس بخش های اقتصادی و یا حتی مناطق جغرافیایی به حدود مربوطه تقسیم می شود. تقسیم میزان پذیرش و تحمل ریسک به حدود باعث می گردد در مجموع، عملیات اعتباری بانک از حد اشتها و ریسک بانک گذر نکرده و قدرت پوشش ریسک اعتباری بانک در سطح کلی کاهش نیابد. یکی از معیار های رایج در این خصوص، نسبت کفایت سرمایه بال ۱ است که سرمایه بانک را نسبت به ریسک اعتباری موزون می سازد.